

مرور زمان موضوع ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴ و ماهیت آخرین تعقیب انتظامی

محمد رضا دشتی اردکانی^۱

چکیده:

به همان میزان که تحمیل بار مسئولیت در مورد تخلف احتمالی سردفتر، منطقی و قابل قبول است، تسریع در بررسی مسئولیت و یا عدم مسئولیت وی نیز پذیرفتنی است؛ چه عدم پی گیری اتهام وارده، فرض رضایت زیان دیده ادعایی را اثبات و اصل برائت را تقویت می کند؛ جامعه نیز بازگشت آرامش را لازم می داند و عدم امکان مطالبه مسئولیت را به هنجار می بیند. در همین راستا، نهاد «مرور زمان» تأسیس می شود؛ نهادی که به موجب آن، پس از گذشت مدتی معین، شکایت مسموع نبوده و تعقیب و اجرای حکم موقوف می شود.

واژگان کلیدی: مرور زمان، سردفتر، تخلف انتظامی، آخرین تعقیب انتظامی، موقوفی تعقیب، توقف اجرای حکم.

مقدمه:

اگر در اجرای قوانین حاکم بر رفتار شغلی سران دفاتر، از ابزار و مکانیسم تشویقی، کمتر استفاده می شود و اگر حسن انجام وظیفه، ملازمه با مشوق های مناسب ندارد، از این جهت

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۲۸۷ تهران و نایب رئیس کانون سردفتران و دفترباران.

قابل توجیه است که انجام وظیفه به احسن احوال، تکلیف سردفتر است. طبعاً در انجام وظیفه بدون عیب و نقص، انتظار پاداش، توجیهی نداشته و حتی دون شأن علمی و خلاف فرهیختگی سران دفاتر تعبیر می‌شود.

لیکن سخت‌گیری قوانین، در زمان مسؤولیت‌خواهی و موقع تحمیل مجازات، در مورد ترک اولی و تخلف احتمالی سردفتر و حتی در مورد اعمال عوامل درون سازمانی دفتر اسناد رسمی، به اقتضای خبرویت و آگاهی سردفتر از مقررات و ضوابط توجیه می‌گردد.

این قلم در مقام کم‌وکیف توجیهاات مذکور و مشابه آن‌ها نمی‌باشد لیکن در مقام پاسخ این سؤال اساسی است که اگر قاعده‌ای از قواعد عدیده مکتوب و غیرمکتوب در حوزه عمل این صنف نقض شود؛ اگر هنجاری از هنجارهای شغلی متزلزل شود، فارغ از قصد و انگیزه مرتکب، از باب مسؤولیت شغلی، تحمیل مجازات انتظامی بر وی امری اجتناب‌ناپذیر می‌گردد ولی تعقیب، رسیدگی، صدور و اجرای حکم به‌نحو متعارف چه زمانی را می‌طلبد؟ مرتکب تا کی باید دغدغه پاسخگویی از بابت رفتار و تخلف خود را داشته باشد؟ آیا شاکی انتظامی با ادعای وقوع تخلف مجاز است تا هر موقع تا دلخواه اوست. اعلام شکایت نماید؟

آیا مرجع انتظامی به هر توجیهی از قبیل تراکم کار، ضعف سازمانی، کمبود امکانات، نبود نیروی انسانی، مقتضیات و مصالح کار، لزوم تحقیقات، ضرورت اقدامات و ... می‌تواند انجام وظیفه خود را به وقت و زمان قریب (ابدیت) احاله نماید؟

گفتار اول: قاعده مرور زمان

به‌نظر می‌رسد عدالتی که تحمیل مکافات عمل را تجویز می‌نماید، اندیشه‌ای که حفظ نظم و انتظام را ضروری می‌کند، انگیزه‌ای که پالایش و صیانت صنف را از آسیب و آفت طلب دارد به حکم عدل و منطق در مسیر یک‌طرفه حرکت نمی‌نماید بلکه به اقتضای فرض خود از تحقق اهداف مذکور در مورد رسیدگی به تخلفات، رعایت عدل و انصاف، انجام دادرسی عادلانه و رفتار بی‌طرفانه را برای تعیین میزان مسؤولیت سردفتر خاطی در

اسرع وقت ممکن از طریق بسیج عده و غده مناسب به عنوان تکلیف مرجع رسیدگی کننده مقرر می‌دارد، تا در پرتو ظهور سریع عدالت، ایجاد نظم، انجام تکالیف دوطرفه، تأمین امنیت فکری و روانی، صیانت حیثیت شخصی و شغلی مرتکب، حفظ طریق تأمین معاش محقق شده و زمینه اطاله دادرسی و تحمیل مجازات نامتناسب از بین برود و ضعف عوامل مأمور تعقیب با بلا تکلیفی ممتد و مزمن سردفتر خاطی جبران نشود.

به سائقه همین تکلیف، مثل سایر نظام‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی، در حوزه رسیدگی به تخلفات انتظامی، نهادی تحت عنوان قاعده مرور زمان تأسیس شده است. همان‌گونه که می‌دانیم: اصولاً مرور زمان عبارت از گذشت مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن، شکایت مسموع نبوده و تعقیب و اجرای حکم موقوف می‌گردد. پدیده مرور زمان، به طور کلی فارغ از منظر اشخاص صاحبان حقوق دارای محاسن و منافع اجتماعی می‌باشد، به نحوی که اگر امروزه، در روابط اجتماعی و اقتصادی به قواعد مرور زمان توجه نشود، انتظام امور مختل می‌گردد. در حالی که حفظ انتظام در جریان امور، موضوعی است که فارغ از هر استدلال به نحو متیقن، مقبول عقول متعادل و متعارف می‌باشد.

امروزه، در حوزه تجارت اگر اعلام قیمت مقید به زمان نباشد و یا اگر در آزمون انتخاب سردفتری به مواعد و زمان ثبت نام و برگزاری توجه نشود، امکان انجام معامله، مبادله کالا، برگزاری آزمون و سایر اقدامات اجرایی وجود نداشته و ختم عملیات و حصول نتیجه تقریباً غیرممکن خواهد بود؛ از حق متقدمین در اقدام، نمی‌توان صیانت نمود و متأخرین در ثبت نام را نمی‌توان مکلف کرد.

در اعلام تخلفات انتظامی سران دفاتر اسناد رسمی، رسیدگی به آن، صدور حکم و اجرای حکم صادره هم باید به تأثیر زمان بر ترتب آثار آن‌ها توجه شود. در غیر این صورت، روح کنجکاو افراد، باب تحقیق و تفحص در زمان و مکان را گشوده و فعل و ترک فعل منتسب به سردفتر را در طول زمان از سابق تا زمان اعلام از بایگانی حافظه استخراج و

ضمن ایجاد مشغولیت دائمی برای دادسرا و دادگاه انتظامی، سردفتر خاطی را به عذر تخلف کوچک در هر زمان ملتزم و موظف به پاسخگویی و رد اتهام از خود می‌نماید. این قلم به رواج بازار سوءاستفاده، تهدید و ارباب نمی‌پردازد ولی اذعان می‌نماید که امنیت از شخص سردفتر سلب و نظم و انتظام امور از بین می‌رود و در این اوضاع نامطلوب سرنوشت صنف و سردفتر تابعی از متغیر نفسانیات شاکی می‌گردد که اگر شاکی حسن نیت نداشته و غرض‌ورزی نماید، در این صورت ضمانت اجرای حفظ آبرو و شرف و حیثیت بر عهده چه کسی خواهد بود؟

مقنن برای جلوگیری از این عوارض نامطلوب و سایر عوارض مشابه قواعد و قوانین عدیده در مورد مرور زمان وضع نموده که نوعاً متأثر از زمان و مکان بوده و صد البته تاریخ حقوق، نکات لطیف و ظریفی، در این موارد، در حافظه خود دارد که فعلاً مجال بیان آن نمی‌باشد ولی متذکر می‌شود؛ آنچه که مبنای حق و تکلیف است همان منویات شارع و مقنن می‌باشد که به صورت قانون ظهور پیدا می‌نماید. به عبارت دیگر، قانون مبنای حق و تکلیف است: قانون است که حقی را ایجاد و تکلیفی را مستقر می‌نماید و همان قانون می‌تواند نحوه اعمال حق و ایفای تکلیف و یا اسقاط حق و زوال تکلیف را مشخص نماید. تخلفات انتظامی سردفتران از جمله اوامر و نواهی شرعی و جزو عناوین اولیه نبوده و قطعاً مجازات انتظامی هم مصداقی از مصادیق مجازات مقدر شرعی نمی‌باشد بلکه تخلفات انتظامی از جمله الزامات و ممنوعیت‌های صنفی است که ریشه در عرف متعارف این صنف داشته و نظر مقنن در تعریف تخلفات انتظامی معطوف به تلقی عرفی و مفاهیم آن بوده و در قابلیت تعقیب تخلفات مذکور و تحمیل مجازات، نظر به استقرار نظم و حفظ انتظام امور دارد.

حال، همان مقنن می‌تواند با تحقق شرایطی اقتضای حفظ نظم و انتظام را عدم تعقیب و یا انصراف از مجازات، مقرر دارد که قاعده مرور زمان تعقیب و مجازات در تخلفات انتظامی، متأثر از این اختیار مقنن می‌باشد و بدین جهت به اقتضای بحث بررسی وضعیت

ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک.^۱ و... ماهیت قاعده مرور زمان مصرح در آن و قلمرو قاعده مذکور مطمح نظر می‌باشد.

بررسی وضعیت ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک. از این جهت مهم است که شورای نگهبان در بیان مشروعیت و عدم مشروعیت قاعده مرور زمان نظرات متعددی ابراز نموده است:

به موجب نظریه مورخه ۱۳۶۱/۵/۱ شورای نگهبان مرور زمان مندرج در مواد ۴۹ الی ۵۴ قانون مجازات عمومی سابق^۲ و به موجب نظریه مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان خطاب به شورای عالی قضایی مرور زمان مندرج در مواد ۷۳۱ و بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مخالف موازین شرع تشخیص داده شده است.^۳ متأثر از این نظریات، مقنن، ماده ۱۰۳۹ ق.م. را که متضمن تعیین مرور زمان دو ساله برای استماع دعوی راجع به انحلال نامزدی بود، در اصلاحیه سال ۱۳۶۱ قانون مدنی حذف نمود.

در حالی که مرور زمان مندرج در قانون تجارت از جمله مواد ۲۸۶ و ۲۸۷^۴ و مرور زمان

۱. ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک.: «مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتریاران دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب و یا از آخرین تعقیب انتظامی خواهد بود».

۲. «عطف به نامه شماره ۱/۲۶۵۳۳ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۸ و پیرو نامه شماره ۴۰۵۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۵ دایر بر ابطال مواد متعددی از قانون مجازات عمومی، اینک مواد دیگری از قانون مجازات عمومی و قانون مدنی را که در جلسه فقهای شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۱/۶/۱ مطرح و مورد بحث قرار گرفته و با اکثریت آراء فقهاء شورا طبق اصل چهارم قانون اساسی مخالف موازین شرع شناخته شده ذیلاً به اطلاع می‌رساند: مواد ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ قانون مجازات عمومی و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ...».

۳. «عطف به نامه شماره ۱/۵۰۶۵۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ اشعار می‌دارد: مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهاء شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد».

۴. ماده ۲۸۶ (اصلاحی ۱۳۵۸/۱۰/۲۶): «اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید».

تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخت شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد».

ماده ۲۸۷ (اصلاحی ۱۳۵۸/۱۰/۲۶): «در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید».

مندرج در ماده ۱۱ قانون چک^۱ را حتی در مقام اصلاح قانون اخیر به قوت و اعتبار خود باقی گذاشته است. ظاهراً توجیه مقنن در این خصوص غلبه جنبه حکومتی مقررات مذکور بر وصف حقوق خصوصی آن مقررات می‌باشد؛ به نحوی که شورای نگهبان برخلاف نظرات قاطع سابق‌الذکر طی نظریه ۶۱/۱۲/۱۶ قاعده مرور زمان موضوع آیین‌نامه انتظامی پزشکان و در سال ۱۳۶۳ اعتبار مرور زمان موضوع مقررات تخلفات انتظامی قضات را مغایر موازین شرعی تشخیص نداد.^۲

اداره حقوقی با تأییدپذیری از دو نظریه اخیر شورای نگهبان طی نظریه شماره ۷/۵۲۱۸ مورخ ۶۵/۹/۸ و نظریه شماره ۶۲۸۹ مورخه ۶۵/۱۰/۲۳ و نظریه شماره ۷/۸۰۷۴ مورخ ۷۲/۱۱/۱۶ مرور زمان موضوع ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک. را خارج از شمول نظرات اولیه شورای نگهبان اعلام می‌نماید.^۳

۱. ماده ۱۱: «جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت».

۲. بسم... الرحمن الرحیم

دادستان محترم انتظامی قضات

عطف به نامه شماره ۱۸۶۲۴ مورخ ۱۳۶۳/۸/۲۲

اعتبار مرور زمان در تخلفات انتظامی که جنبه تخلف شرعی ندارد مغایر با موازین شرعی نیست ولی در تخلفات شرعی احکام سایر جرایم را دارد که در غیر حدود پس از مرور زمان معین نیز امر تعقیب و عدم تعقیب آن با حاکم شرع است. و در اموری که ضمان مالی و جنبه حقوقی دارد احکام شرعی خود بر آن مترتب می‌شود.

دبیر شورای نگهبان - لطفاً... صافی

«با توجه به این که آیین‌نامه انتظامی نظام پزشکی در مورد تخلف پزشکان حکومت دارد نه جرایم و امور حقوقی آنان، و این آیین‌نامه برای حفظ نظم در جامعه تنظیم شده است، علی‌هذا شمول مرور زمان نسبت به تخلفاتی که در آیین‌نامه مزبور مذکور است مخالفتی با موازین شرعی ندارد. بدیهی است در صورتی که حقوقی از افراد تضییع شده باشد در محاکم دادگستری قابل رسیدگی است».

۳. نظریه ۶۲۸۹ - ۱۳۶۵/۲/۲۳ /د.ره حقوقی: شورای نگهبان جز در مورد مرور زمان مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی در سایر موارد نظری نداده است و قوانین گذشته مادام که خلاف شرع بودن آن‌ها اعلام نشده به اعتبار و قوت قانونی خود باقی هستند. بنابراین چون قانون مرور زمان نسبت به تخلفات انتظامی نسخ شده و خلاف شرع بودن آن از طرف شورای نگهبان اعلام نگردیده است لذا به اعتبار خود ❀

بنابراین قطع نظر از این که اعلام نظر شورای نگهبان در مغایرت یک قانون با موازین شرعی چه تأثیری در اعتبار حقوقی آن قانون دارد، در حال حاضر ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک. به عنوان یک قانون معتبر مجری می‌باشد.

گفتار دوم: قاعده مرور زمان و ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون

سردفتران و دفتریاران

موضوع دیگری که در این نوشته باید به آن توجه نمود ماهیت قاعده مرور زمان مقید در ماده ۴۶ فوق‌الاشعار می‌باشد. با تعریفی که از قاعده مرور زمان بیان گردید، قاعده مرور زمان در مورد شکایت شاکی، زمان تعقیب تخلف و اجرای حکم صادره مورد توجه مقنن در قوانین سابق و مواد ۱۷۳ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری بوده است.

ظاهراً مقنن در وضع ماده ۴۶ فوق‌الاشاره در مقام ایجاد وضعیت جدیدی نبوده بلکه با اطلاع از جایگاه قاعده مرور زمان در نظام حقوقی در مقام تعیین دایره شمول آن به تخلفات انتظامی سردفتران بوده است. بنابراین، برخلاف اصول حاکم بر مواعد متفاوت به تناسب نوع مرور زمان در ماده ۴۶ مرقوم فقط از شمول قاعده مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی نام برده و در مقام بیان متعرض سایر انواع مرور زمان از جمله مرور زمان شکایت و اجرای حکم نگردیده است و از این جهت، شاید تصور شود که در منظر مقنن شکایت شاکی و اجرای حکم انتظامی از دایره شمول قاعده مرور زمان خارج است. در حالی که این استنتاج، نقض اغراض مقنن در خصوص وضع این قاعده می‌باشد. زیرا:

«باقی است و پس از گذشت مهلت مقرر مشمول مرور زمان می‌گردد». نظریه ۷/۵۲۱۸ - ۱۳۶۵/۹/۸ - اداره حقوقی: چون مرور زمان مقرر در ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ ناظر به تعقیب اداری است. لذا به قوت خود باقی است؛ نظریه ۷/۸۰۷۴ - ۱۳۷۲/۱۱/۱۶ - اداره حقوقی: طبق قوانین موجود، در حدود و قصاص و دیات مرور زمان وجود ندارد و در امور حقوقی نیز با توجه به نظریه فقهای شورای نگهبان مقررات مرور زمان (به لحاظ مغایرت با شرع) قابل اجرا نیست اما در مورد مجازات‌های عرفیه مقررات مرور زمان نسخ نشده و مغایرت آن‌ها با شرع نیز اعلام نگردیده، بنابراین مقررات مرور زمان نسبت به تخلفات سردفتران و دفتریاران موضوع ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی که از جمله مجازات‌های عرفیه است، مادام که به موجب قانون ساقط نشده باشد به قوت خود باقی است.»

اولاً فلسفه وضع قاعده مرور زمان تعقیب تخلف انتظامی هرچه باشد قابل تعمیم به سایر انواع آن بوده و همان هدفی که از قاعده مرور زمان مورد نظر مقنن می‌باشد به طریق اولی در مورد شکایت شاکی و اجرای حکم وجود دارد.

ثانیاً وقتی که جرایم ارتكابی افراد که به حکم قانون واجد جنبه‌های الهی، عمومی و خصوصی می‌باشد،^۱ حتی با فرض ضرورت صیانت حقوق زیان‌دیده و قربانی اعمال مجرمانه،^۲ اعلام جرم، استماع شکایت و نیز اجرای احکام قضایی را در مواعد مقرر قانونی ممکن می‌داند؛^۳ سران دفاتر اسناد رسمی دارای چه خصوصیات ویژه‌ای می‌باشند که

۱. ماده ۲۳ ق.ا.د.ک. - کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می‌گردد:

اول - جرایمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی.

دوم - جرایمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی می‌باشد.

سوم - جرایمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.

تبصره ۱ - تعزیرات شرعی عبارت است از مجازات که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

تبصره ۲ - جرمی که دارای دو جنبه باشد می‌تواند موجب دو ادعا شود:

الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی.

ب - ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و کف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی.

ماده ۳ - تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به‌عهده رئیس حوزه قضایی می‌باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌گردد.

ماده ۴ - جرایم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: ۱ - جرایمی که تعقیب آن‌ها به‌عهده رئیس حوزه قضایی است، چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد. رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند. ۲ - جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره: تفکیک و تعیین اینکه امر جزایی تابع کدام‌یک از انواع یادشده است به‌موجب قانون می‌باشد.

۲. ماده ۱۷۵ ق.ا.د.ک. - موقوفی تعقیب و توقف اجرای حکم مانع استیفای حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود.

۳. ماده ۱۷۳ ق.ا.د.ک. - در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.

الف - حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با

شکایت از تخلفات انتظامی آنان خارج از شمول قاعده مرور زمان باشد و همچنین حکم صادره در مورد تخلف آنان در طول زمان هر موقع باید قابل اجرا باشد؟

در حالی که به اقتضای ماهیت انتظامی تخلفات سران دفاتر اسناد رسمی با توجه به نظرات شورای نگهبان و اداره حقوقی و امور اسناد قوه قضائیه می توان از باب تنقیح مناط و یا قیاس اولویت، سکوت مقنن را به مسامحه در بیان، تعبیر نمود و در این خصوص، اصل تفسیر قوانین به نفع متهم هم اقتضای قبول استنتاج مذکور را دارد. و در نتیجه مستنبط از بیان ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک. مواعد موردنظر برای شمول قاعده مرور زمان برای اعلام شکایت تعقیب انتظامی و اجرای حکم انتظامی در مورد سردفتران یکسان و همان دو سال مصرح در آن ماده می باشد.

اما آنچه که مهم است تعیین شروع موعد دو ساله مقرر قانونی برای شمول قاعده مرور زمان در انواع مشروحه فوق می باشد. به عبارت دیگر، دو سال مقرر در ماده ۴۶ یاد شده از چه زمانی باید شروع شود تا شکایت به لحاظ شمول مرور زمان قابل استماع نبوده، تعقیب انتظامی موقوف شده و حکم صادره موقوف الاجرا گردد.

مقنن در ماده ۴۶ ق.د.ا.ر.ک. مبنای شروع دو سال مقرر را از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب یا از تاریخ آخرین تعقیب انتظامی بیان داشته است. وجود تعدد الفاظ، بیانگر توجه مقنن به تعدد مصادیق می باشد.

انقضای مدت ده سال ب - حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضای مدت پنج سال. ج - مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال.

تبصره - در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود.

ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک. - در مواد مذکور در ماده قبل هرگاه حکم صادر گردیده ولی اجرا نشده باشد پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم، اجرای آن موقوف می گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.

تبصره: احکام دادگاه های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی مشمول مقررات این ماده می باشد.

بنابراین، در صورتی که از تاریخ وقوع تخلف مستوجب تعقیب، دو سال سپری شده باشد و در این مدت، تخلف کشف نشده، ذی‌نفع شکایت نکرده باشد و مطلع اعلام ننماید؛ در این صورت، اعلام تخلف، گزارش آن و شکایت شاکی انتظامی قابل استماع نخواهد بود. و اگر پس از شکایت شاکی و اعلام تخلف، گزارش آن یا گزارش آن با شرایط مقرر قانونی، اقدامات تعقیبی شروع نشود و اگر هم شروع شده، از آخرین اقدام تعقیبی مثلاً صدور کیفرخواست دو سال گذشته باشد؛ در این صورت، ادامه جریان اقدام تعقیبی جوازی نداشته و باید موقوف شود. و هم‌چنین است وضعیت حکم صادره که با گذشت دو سال هنوز مجال اجرا پیدا نکرده است. با این حال باید توجه داشت عواملی از جمله مراجع و مقامات ذی‌صلاح با عدم انجام وظیفه قانونی خود که موجب مشمول مرور زمان بر امر انتظامی شده‌اند، مستوجب تعقیب قانونی خواهند بود.^۱

گفتار سوم: ماهیت تعقیب انتظامی

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد خصوصیات تعقیب انتظامی است. همان‌طور که می‌دانیم؛ تعقیب انتظامی نوعاً تعرض به حقوق اشخاص می‌باشد در حالی که حقوق اشخاص به حکم مقررات فصل سوم قانون اساسی جز در موارد مصرح در قوانین، مصون از تعرض می‌باشد.

با اتخاذ ملاک از اصل ۳۶ ق.ا. که حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه و به موجب قانون مقرر داشته،^۲ به نظر می‌رسد؛ اولاً اقدامات تعقیبی باید به موجب قانون باشد. ثانیاً توسط مرجع ذی‌صلاح و مقام صلاحیت‌دار اعمال گردد. ثالثاً در حدود مقررات و

۱. ماده ۱۷۶ ق.ا.د.ک. - قضات، ضابطین دادگستری و سایر مأمورینی که به موجب قانون موظف به تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم می‌باشند چنانچه در انجام وظیفه خود مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقیب یا اجرای حکم صادره باشد حسب مورد تحت تعقیب کیفری، انتظامی و اداری قرار خواهند گرفت.

۲. اصل ۳۶ ق.ا. - حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

ضوابط قانونی صورت بگیرد.^۱ بنابراین، چنانچه در غیر موارد قانونی، سردفتر احضار شود هر چند امر احضار از طریق دادسرای انتظامی و دستور دادیار انتظامی و طبق روش قانونی و به موجب برگ احضاریه صورت گرفته باشد، برای قطع مرور زمان، اثر قانونی ندارد. و همین طور است وقتی احضار سردفتر از طریق مراجع فاقد صلاحیت یا اشخاص فاقد سمت قانونی و خارج از روال و شکل قانونی، بدون رعایت تشریفات مقرر، صورت گرفته باشد، برای قطع مرور زمان مؤثر نخواهد بود.

مؤید این استنتاج آرای صادره از شعب مختلف دیوان عالی کشور می‌باشد.^۲ مطلب آخر

۱. * نظر به این که مجرد امر مقامات صالحه به احضار متهم یا دو طرف قضیه و احضار گواه و خواستن پرونده امر و دستور به اداره امنیه یا اداره صلاحیت‌دار دیگری برای تعقیب مجرم بدون آن که منتهی به اقدامی از طرف دوائر مزبور در تعقیب متهم شده باشد اقدام تعقیبی قانونی به‌شمار آمدن آن‌ها در نظر عرف محقق نبوده و هرگاه فرضاً نظر اهل عرف در پاره از این امور مختلف و فهم آن‌ها متفاوت باشد لااقل موجب نظری بودن امر گردیده و تخلف محسوب نیست. (حکم شماره ۳۰۱۳ و شماره ۳۰۱۴ و شماره ۳۰۱۵ و شماره ۳۰۱۷ - ۲۹ / سفند ۱۳۱۸).

** تعقیب قاطع مرور زمان که در ماده ۵۱ قانون کیفر عمومی به آن اشاره شده عبارت است از تعقیب مأمورین موظف به تعقیب و کشف جرایم به‌طور رسمی و برای هیئت تفتیشیه مطابق قوانین موجوده چنین تکلیف رسمی مقرر نشده است. (حکم شماره ۱۴۵۷ - ۱۱/۹/۳۰ شعبه ۲).

*** منظور از تعقیب کیفری که قاطع مرور زمان است عبارت است از بازجویی از متهم و یا مقدمات آن از قبیل احضار او و گواه برای تحقیق و نظایر آن و خلاصه کلیه اقداماتی که مستقیماً تعقیب به‌شمار می‌آید نه ارجاع کلی برای پرونده‌های متعدد که متهمین آن حین ارجاع در نظر دادستان غیر معلوم بوده‌اند. (حکم شماره ۲۵۷۷ - ۲۹/۱۰/۱۰ شعبه ۲).

۲. حکم شماره ۶۰۸ - ۲۰/۲/۳۱ شعبه ۵: «اقدام منشی بازپرس در رسانیدن پرونده به‌نظر بازپرس از لحاظ این که منشی صلاحیت تعقیب را نداشته قاطع مرور زمان محسوب نخواهد شد»؛ حکم شماره ۱۷۷۱ - ۲۳ / ۱۱ / ۲۸؛ حکم شماره ۱۲۸۵ - ۱۸/۶/۱۹ شعبه ۵ و ۲۸۱۹ - ۲۱/۹/۱۵ شعبه ۵ و ۴۱۳ - ۱۹/۲/۲۴ شعبه ۵: «منظور از تعقیب مذکور در ماده ۵۱ قانون کیفر عمومی اقدامی است که از طرف مأمورین صلاحیت‌دار برای تعقیب جرایم به عمل آید نه مطلق اقدامات مأمورین دولت مگر در مواردی که قانون اقدام مأمورین دیگر را هم مؤثر قرار داده باشد». (حکم شماره ۲۳۷۵ - ۱۹/۷/۲۴ شعبه ۲).

حکم شماره ۲۶۴۷ - ۱۶/۱۲/۱۸ شعبه ۲ و ۲۵/۴/۱۳ ۵۵۳ شعبه ۲: نوشتن این جمله (دفتر پرونده را در دفتر جزئیات ثبت و برای اقدام مقتضی ارسال دارید) از طرف بازپرس قاطع مرور زمان نیست. زیرا مجرد این اقدام دستور اداری است و تعقیب جرم متهم شمرده نمی‌شود. (حکم شماره ۱۲۹۴ - ۲۰/۴/۳۱ هیئت عمومی و ۷۳۴ - ۲۹/۳/۲۶ شعبه ۵).

اقدام مستنطق به احضار شاکی خصوصی برای گرفتن توضیحات لازم که بالنتیجه از نقطه نظر

این که؛ اولاً قاعده مرور زمان از جمله قواعد مربوط به نظم عمومی است و چنانچه سردفتر در مقام دفاع به آن توجهی نداشته باشد، مرجع تعقیب و رسیدگی و اجرای احکام مکلف به رعایت قوانین ناظر به قواعد مرور زمان حسب مورد می‌باشند.^۱

ثانیاً با قطع مرور زمان موعد جدیدی شروع شده که مواعد قطع شده سابق، به حساب آورده نمی‌شود.

خلاصه و نتایج:

(۱) مرور زمان، گذشت مدتی معین است که با انقضای آن، شکایت، مسموع نبوده و تعقیب و اجرای حکم موقوف می‌شود.

(۲) در مورد مرور زمان، رویه واحدی در نظام حقوقی ما، ملاحظه نمی‌شود. مرور زمان مندرج در قانون مجازات عمومی، قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی خلاف شرع

تعقیب متهم بوده در حقیقت (ولو به طور غیرمستقیم) اقدام تعقیبی محسوب و قاطع مرور زمان خواهد بود. (حکم شماره ۱۳۹ - ۳۷/۱/۳۰ شعبه ۲).

حکم شماره ۲۲۹۹ - ۲۹/۹/۱۱ شعبه ۱: برحسب مستفاد از ماده ۵۱ قانون کیفر عمومی اقدامی که موجب قطع مرور زمان می‌شود باید از طرف مأمورین صلاحیت‌دار برای تعقیب به عمل آید و اداره حقوقی وزارت دادگستری مقام صلاحیت‌دار برای تعقیب پرونده نیست و نامه‌ای که از طرف اداره مزبور به دادسرای شهرستان نوشته شود و آن دادسرا عین نامه را برای اجرای مدلول آن نزد امین دادگاه بخش محل بفرستد بدون این که از طرف مأمورین صلاحیت‌دار اقدامی برای تعقیب قضیه به عمل آید اقدام تعقیبی محسوب نمی‌شود. (حکم شماره ۷۰۶ - ۲۴/۴/۲۷ شعبه ۲).

اگر بازرس در حاشیه نامه‌ای بنویسد (هنوز متهم احضار نشده به وسیله امنیه احضار شود) و بعد اقدامی نشود؛ چون عبارت مزبور منشأ اثری واقع نشده اختطاری به عمل نیامده تا بتوان گفت اقدامی مبنی بر تعقیب شده است، از این رو اقدام قاطع مرور زمان محسوب نخواهد شد.

۱. نظریه ۷/۲۴۲۶ - ۱۳۸۴/۴/۸ - ۱۳۸۴/۴/۸ اداره حقوقی: چنانچه متهم، هنگام دفاع در هر مرحله مدعی وجود جهات رافع مسؤولیت کیفری یا معاذیر قانونی شود، مثلاً ادعا کند که دچار جنون ادواری است و هنگام وقوع جرم در حال افاقه نبوده است و دلایل اثبات ادعای خود - از قبیل مدارک مربوط به مراجعه به پزشک و تحت درمان بودن - را اقامه کند و قاضی دادگاه به طرق مقتضی از قبیل بررسی مدارک پزشکی قانونی - درباره صحت یا سقم و ادای دلایل اثبات آن رسیدگی کند اما در موارد بین مانند شمول مرور زمان تعقیب کیفری، حتی اگر متهم به امر مزبور توجه نداشته باشد، قاضی مکلف به رعایت قانون و اعمال مقررات مرور زمان است.

دانسته شده و حذف شده‌اند. در حالی که مرور زمان مندرج در قانون تجارت و قانون صدور چک هنوز به اعتبار خود باقی هستند.

۳) ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران (مصوب ۱۳۵۴) به‌عنوان قانون خاص از شمول قاعده مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی نام می‌برد؛ مرور زمانی که به‌علت ارتباط با نظم عمومی، مراجع رسیدگی‌کننده، در هر حال، مکلف به ترتیب اثر دادن به آن می‌باشند.

۴) ماهیت جرایم و تخلفات انتظامی متفاوت با جرایم و محرمات شرعی می‌باشد (حدود، دیات و تعزیرات).

- ۵) مرور زمان ارتباطی به حقوق اشخاص به‌مانند دعاوی مالی، مطالبات و دیون دارد.
- ۶) اعمال مجازات برای آن‌ها (تخلفات انتظامی) از جهت حفظ نظام دادرسی می‌باشد.
- ۷) برای حفظ نظام حقوقی ممکن است ضرورت ایجاد کند که از تعقیب منصرف شد.
- ۸) قاعده مرور زمان شامل اعلام شکایت، اعلام جرم، رسیدگی و اجرای حکم می‌شود.
- ۹) اقدامات تعقیبی، در حدود قانون، قاطع مرور زمان است.
- ۱۰) پس از قطع مرور زمان ممکن است مرور زمان دیگری شروع شود. در این صورت، بدو مرور زمان اخیر از تاریخ اقدام جدید تعقیبی خواهد بود.